

پیدایش « اپرا - کمیک »

پیش از اینکه طرز پیدایش « اپرا - کمیک » را بررسی کنیم لازمست توضیحی درباره وجه تسمیه آن داده شود تا از این راه سوء تفاهمی که در این مورد بسیار رایج است رفع شود.

کلمه « کمدی » (Comédie) در زبان فرانسه بمعنی اعم نمایش و تئاتر آمده است ، این کلمه ، چنانکه میدانیم ، معنی نمایش خنده دار و مضحکه نیز میدهد . « کمیک » که صفت « کمدی » است در « اپرا - کمیک » بمعنی « نمایشی و تئاتری استعمال میشود . بدین معنی که « اپرا - کمیک » ، برخلاف « اپرا » که سرتاسر توأم با آواز و موسیقی است ، دارای قسمت هائیکست که توأم با موسیقی نیست و در آن مثل تئاتر ، بازیکنان گاهی حرف هم میزنند . بنا بر این نباید تصور کرد که موضوع - ها و مضامین اپرا - کمیک منحصرأ فکاهی و خنده دار و با اصطلاح « کمیک » است ، حتی برعکس ، موضوع بسیاری از اپرا - کمیک ها غالباً بسیار « تراژدیک » هم هست ...

این نکته را هم نگفته نگذریم که برخلاف آنچه گاهی تصور میشود « اپرا - کمیک » معادل و ترجمه « اپرا - بوفای » (Opera buffa) ایتالیائی نیست . در اپرا - بوفای هیچ صحنه بدون موسیقی یافت نمیشود و نوع و مضامین آن هم ، همانطور که از اسمش برمی آید ، فکاهی و مسخره آمیز (Buffon) است . این نوع ، در آغاز امر عبارت از صحنه های کوتاهی بود که در فاصله بین دو پرده « تراژدی غنائی » با بقول ایتالیائی ها « اپرای جدی » (Opera seria) بازی میشد تا حالت جدی و پرطمأئینه و سنگین آنها را اندکی ملایمتر نماید و تسکین دهد بتدریج این

۱ - مثلاً تئاتر رسمی مشهور فرانسه « کمدی فرانسه » نامیده میشود .

صحنه های کوتاه بین دو برده چنان موفقیتی از جانب ایتالیایی ها بهم زد که از واپرای جدی « جداگشته و نوع و » فورم « مستقلی گردید .

« ابرا - بوف » ایتالیایی از جهات دیگری هم با « ابرا - کمیک » فرانسه اختلافاتی داشت ، منجمله اینکه موضوع های ابرا - بوف از وقایع زندگی روزمره اقتباس میشد و جنبه ای کاملاً « رئالیستی » داشت (برخلاف « ابرا برای جدی » که بیشتر بقهرمانان تاریخی و افسانه ای توجه مینمود) ولی ابرا - کمیک فرانسه ، مثل ابرا ، قهرمانان اساطیری و خدایان و نیمه خدایان را بروی صحنه میآورد و مدت مدیدی طول کشید تا از حدود این سنت فراتر رفت . ولی برای بازیافتن اصل و سرچشمه پیدایش ابرا - کمیک باید بزمانهای خیلی پیشتر برگشت .

در فصل های گذشته دیدیم که از آغاز قرن سیزدهم مراجع روحانی مغرب زمین در پای محراب و سپس در حیاط کلیسا ها نمایش هایی ترتیب میدادند تا بوسیله موسیقی و کلام و هنر نمایشی وقایع زندگی قهرمانان و شخصیت های برجسته مذهبی را نشان بدهند و علاقه و توجه مردم را باینده و کلیسا جلب نمایند . همچنین دیدیم که این نمایش ها اندک اندک صورتی مذهبی یافت و انواع نمایش های متعددی بدید آمد . از قرن دوازدهم در یکی از محله های پاریس بنام « سن - ژرمن - ده - بره » (که در سالهای اخیر مرکز فعالیت های « اگزیستانسیالیست » ها شده بود ...) بازار مکاره ای تشکیل میشد که از همان آغاز کار با نمایش هایی توأم بود . این نمایش ها وسیله تبلیغاتی مؤثری بود و موجب جلب مشتری بیازار میگردد . نمایش های مزبور در بدو امر عبارت بود از شعبده بازی و معرکه گیری و خیمه شب بازی و بطور کلی نمایش هایی که مورد توجه و علاقه طبقه عوام قرار میگرفت . بازارهای مکاره دیگری هم در محله های مختلف شهر پاریس ترتیب مییافت که هر کدام در فصل معینی از سال تشکیل میشد ولی بازار « سن - ژرمن » از لحاظ نمایشی مهمترین آنها بود تا جایی که از قرن شانزدهم بیعد این محله مرکز و عده گاه همه اشخاصی شده بود که با تأثیر سروکار یا نسبت بآن علاقه ای داشتند . بازیکنان این بازار با چنان استقبال و موفقیتی مواجه می گشتند که تأثرهای رسمی و مجاز شهر بشکاپو افتادند و بزودی موفق شدند که از نمایش های مکاره ای جلوگیری نمایند و رسماً غنغن شده که بازیکنان بازار مکاره بروی صحنه حرف بزنند ... چندی بعد ، هنگامی که « آکادمی سلطنتی موسیقی » تأسیس یافت ، نمایش های خیمه - شب بازی مکاره ای را هم ، بیپایه اینکه « نمایش های توأم با موسیقی و اپرا های کوچکی نشان میدهند . » غیر قانونی شناخته و موقوف ساختند .

ولی « هنرمندان بازار مکاره » با این اقدامات از میدان دور نرفتند و برای ادامه معاش خود بفرست تدبیری اندیشیدند و همچنان بمقابله با « مقامات هنری رسمی » پرداختند ... بدین معنی که نمایش هایی بروی صحنه آوردند که در آنها بازیکنان صحبتی نمیکردند (زیرا تا آن تر رسمی دولتی سخن گفتن را بر آنان ممنوع ساخته بود ...) ولی برای بیان مقصود ، از جیب خود طومار کاغذی بیرون میکشیدند که بر آن متن صحبت مورد نظر را با خطی درشت نوشته بودند و آن طومار کاغذ را بطرف تماشاچیان

نگاه میداشتند . . . و بهمین ترتیب بازیکنان باهم ، بی صدا و بدون صحبت «مکالمه» میکردند .

نمایش های مکاره با -

این تمهید و تمهیدات دیگری کار خود را دنبال می کردند و تماشاچیان نیز از آنها بیش از پیش تشویق مینمودند. ولی مدتی بعد «لولی» هر گونه آوازی را در بازار های مکاره رسماً ممنوع ساخت و تشکیلات ارکستری آنها را هم به يك «اوبوا» و دو ویلن محدود نمود. هنرمندان بازار مکاره که از حق



صحت کردن و آواز خواندن محروم شده و مرمعاش خود را بیش از پیش در خطر میدیدند. ابتکار تازه ای بخرج دادند باین معنی که درحین نمایش «بی صدا» ، تابلوی بروی صحنه فرود می آمد که بروی آن اشعار ساده ای نوشته میشد و ضمناً یکی از ترانه های معمولی و مشهور را هم قید میکردند. سپس ارکستر بناوختن ترانه منظور میپرداخت و تماشاچیان ، از روی اشعاری که بر تابلو نوشته بود ، بطور دسته جمعی ترانه منظور را میخواندند .



در این میان بازیکنان کاری جز حرکات و ایما و اشاره قیافه نداشتند و باین ترتیب قانون محترم شمرده میشد و لسی نمایش هم اجرا میگردد .

این وضع تا مدتی ادامه داشت تا اینکه سرانجام مقامات هنری رسمی حاضر

شدند در مقابل پرداخت مالیات قابل توجهی حق سخن گفتن و آواز خواندن را بهتر مندان بازارهای مکاره اعطا نمایند. در قراردادی که امضا شد ، این نمایش های مکاره ای برای نخستین بار «اپرا - کمیک» خوانده شد و بدین ترتیب رسماً فورم هنری جدیدی بوجود آمد. در مدت دو قرن و نیمی که از آن تاریخ میگذرد شاهکارهای بیشماری

بر روی این «فورم» و بسبک‌های بسیار متفاوت شناخته شده است. ولی نباید تصور کرد که بدین گونه نمایش‌های بازاری از میدان کشمکش پیروز بیرون آمدند، زیرا اپرا - کمیک‌های جدید چنان موفقیت فوق‌العاده‌ای بدست آوردند که «آکادمی سلطنتی» بلافاصله بمبلغ مالیات و عوارض آنها بقتدار بسیار زیادی ترقی داد و این خود موجب شد که بتدریج اپرا - کمیک بازاری روبرو ال‌گذار. در اواسط قرن هیجدهم اپرا - کمیک بوسیله مردی بنام «ژان - لویی مونه» بر روی اساس ضحیح و مستحکمی بنیاد گذارده شد و در حقیقت از سر نو زنده گردید.

بیشتر آهنگسازانی که در این دوره آثاری بفورم اپرا - کمیک نوشته‌اند متأسفانه امروز فراموش گشته‌اند. در اینجا بی‌مناسبت نیست برای نشان دادن محیط هنری موسیقی آن دوره داستانی مربوط بیکى از موسیقی دانان مشهور اپرا کمیک، بنام «دوورنی»، را نقل کنیم. در فصل‌های گذشته گفتیم که در آن دوره عده‌ای متظاهر و مدعی فضل در فرانسه بهر وتاتر ایتالیائی اظهار علاقه میکردند؛ از دوره «لولی» که معتقد بود که فرانسویان استعداد و ذوق موسیقی ایتالیائیها را ندارند. تادوره «ژان - ژاک روسو» - که بر علیه موسیقی فرانسه برخاسته بود - این مدعیان بهنردوستی و فضل، ادعا میکردند که فرانسویان نمیتوانند بانوع «بوفون» (مسخره) ایتالیائی برابری کنند و اپرا - کمیک فرانسه را ناچیز و بی‌مایه میشمردند. «دوورنی» - که ذکرش رفت - مثل دیگر هنرمندان اصیل فرانسه از دست این «ایتالیائی دوستان» متظاهر دلی برخوردار داشت و برای اینکه بی‌باکی ادعای اینان را باثبات برساند بر روی اشعاری از «مولیر» اپرا - کمیکى نوشت و آنرا بعنوان اثر يك آهنگساز ایتالیائی از اهالی میلان و ساکن «وین» که زبان فرانسه را بخوبی میدانند بروی صحنه آورد. این اثر بلافاصله از جانب هواداران موسیقی ایتالیائی موفقیت درخشانی بدست آورد.

«دوورنی» هنگامی که از موفقیت اثر خود اطمینان حاصل کرد، حقیقت امر را باطلاع تماشاچیان بی‌خبر رساند... این امر البته به «موسیقی شناسان» فاضل مآب بسیار گران آمد ولی بی‌اساس بودن ادعا‌های آنان را بصورت بسیار روشنی ثابت نمود. از میان آهنگسازان



اپرا - کمیک این دوره اسم دو تن را بخصوص باید بخاطر سپرد که باید از جمله بزرگترین

موسیقی دانان فرانسه بشمار آیند . یکی از این دو « کامپرا » (Campra) و دیگری « دتوش » (Destouches) نام داشت و در سال های اخیر نیز تنی چند از محققان موسیقی فرانسه جهت معرفی و دستاویز هنری آن دو کمر همت ببیان پر بسته اند . ذکر اسم « فاوار » (Favart) نیز که ادیب و شاعری گرانمایه بود در اینجا لازمست . وی مؤلف متن و اشعار بیش از ۱۵۰ ابراهامیک است و مدتی نیز با « گلوک » آهنگساز مشهور همکاری مینمود . امروزه تالار ابراهامیک پاریس و همچنین کوچه ای که ساختمان آن در آن واقع است پیاس خدمات مؤثر او بنام او خوانده میشود .

موسیقی دانان بزرگی که از آن پس بنوشتن ابراهامیک دست زدند باین فورم اهمیت و رواجی فوق العاده بخشیدند تا جائی که امروزه بسیاری از شاهکارهای فنا ناپذیر تاریخ موسیقی را در ادبیات ابراهامیک میتوان یافت . فراموش نباید کرد که اصل و ریشه همه اینها به بازارهای مکاره میرسد .

اقتباس و ترجمه : ك . هورمزد

در شماره آینده : « گلوک »



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
ریاست جامع علوم انسانی